

ارزیابی اثرات کالبدی - فضایی جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملاوی، شهرستان پلدختر)

هادی قراگوزلو: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران ایران
علی اصغر عیسی‌لو^۱: کارشناس ارشد شهرسازی، کارشناس فنی و مطالعات بنیاد مسکن استان قم، قم، ایران
فرزاد گراوند: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

وقوع سیل و طغیان فصلی رودخانه‌ها از جمله سوانح طبیعی است که هر ساله خساراتی را بر جوامع انسانی تحمیل می‌کند. در کشور ما نیز در طی دهه‌های اخیر خسارات مالی و جانی سیلاب افزایش یافته و قربانیان این سانحه نیز اغلب روستاییان می‌باشند. از جمله سیاست‌هایی جدیدی که به منظور مقابله با این سوانح طبیعی اتخاذ می‌گردد، جابه‌جایی و اسکان مجدد روستاییان می‌باشد که قدر مسلم این امر پیامدهای مختلفی را در پی خواهد داشت. سه روستای بابازید، وره زرد و خرسدر علیا از جمله روستاهایی است که به دلیل قرارگیری در حریم رودخانه‌ی کشکان رود، بارها متحمل خسارات فراوان ناشی از سیل بوده است. لذا به منظور جلوگیری از تکرار این حادثه، در سال ۱۳۸۵ اقداماتی جهت جابجایی این روستاها صورت گرفت. بدین ترتیب، پژوهش حاضر به تعیین پیامدهای کالبدی - فضایی جا به جایی روستاهای مذکور از توابع شهرستان پلدختر پرداخته است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده، روش جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از روش پیمایشی و تکمیل پرسشنامه بوده است. حجم نمونه شامل ۲۰ درصد از خانوارهای موجود در روستاهای مورد بحث است که برابر با ۱۱۷ خانوار تعیین شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم - افزار SPSS و آزمون‌های ناپارامتری ویلکاکسون و t مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بیشترین تأثیر اسکان مجدد این روستاها در زمینه کالبدی و زیست محیطی بوده است. در مقابل کمترین پیامد حاصل از جا به جایی روستاهای مذکور در بعد اقتصادی بوده و تفاوت معناداری در قبل و بعد از جابه‌جایی وجود نداشته است.

واژه‌های کلیدی: اسکان مجدد، اثرات فضایی، توزیع جمعیت، سکونتگاه‌های روستایی، پلدختر.

^۱ - نویسنده مسئول : Ali_Isalou@yahoo.com، ۰۹۱۹۹۵۶۵۲۶۳.

بیان مسأله:

عرصه‌های روستایی فضاهای محدود جغرافیایی می‌باشند که از فعالیت انسان بر روی محیط طبیعی و تأثیر نیروهای بیرونی بر عرصه‌های روستایی در طول زمان شکل گرفته و دچار تغییر و تحولات گشته است. این تحولات در بسیاری موارد منشأیی برونزا داشته و به واسطه رخداد‌های بیرونی پدیدار شده و می‌شوند. بدینسان، سکونتگاه‌های روستایی در معرض دگرگونی‌هایی قرار می‌گیرند که جلوه‌های گوناگون آنها در عرصه‌های روستایی به صور مختلف و در زمینه‌های متنوع تجلی می‌یابد. آنچه در این بین کمتر مورد عنایت بوده این است که اینگونه تجلیات در تحول کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، به نوبه خود می‌تواند موجب دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی محیط‌های روستایی گردند. در مقابل، دگرگونی‌های ایجاد شده در ابعاد اجتماعی و اقتصادی خصوصیات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی را متأثر می‌سازند. بدین ترتیب سکونتگاه‌های روستایی شکل پیچیده و نظام‌واری از پدیده‌هاست که هرگونه تغییری در جزئی از آن، تغییر در ساخت، کارکرد و چشم‌انداز جغرافیایی آن خواهد داشت (سعیدی، ۱۳۸۸: ۴۲). از جمله این عوامل برونزا جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی و اسکان مجدد روستاییان در نقاط دیگر است که به دلایل مختلفی از جمله سوانح طبیعی همچون سیل صورت می‌گیرد. وقوع سیل هر ساله خسارت‌های جانی و مالی فراوانی را به جوامع انسانی وارد می‌نماید، به گونه‌ای که در قرن بیستم بالغ بر ۱/۵ میلیارد نفر از وقوع سیل و سیلاب‌ها آسیب دیده‌اند (پهلوان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶). بی شک پیامدهای سیل، این پدیده را به عنوان یکی از جدی‌ترین خطرات و بلایای طبیعی و ضد امنیت برای جامعه انسانی معرفی می‌کند (فنی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). در کشور ما نیز در طی دهه‌های اخیر خسارات مالی و جانی سیلاب افزایش یافته و قربانیان این سانحه اغلب روستاییان می‌باشند. زیرا به دلیل کمبود آب در کشور، روستاها غالباً در حاشیه رودخانه‌ها قرار دارند (ولایتی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۴).

دهستان مورانی از توابع شهرستان پلدختر در استان لرستان می‌باشد که رودخانه کشکان رود در این منطقه جریان دارد و به دلیل طغیان فصلی این رودخانه روستاهایی که در حریم آن قرار داشتند بارها متحمل خسارات فراوان ناشی از سیل بوده است. لذا به منظور جلوگیری از تکرار این حادثه، در سال ۱۳۸۵ اقدام به انتقال سه روستا از این دهستان به نام‌های بابازید، وره زرد و خرسدر علیا گردید. جابه‌جایی این روستاها منجر به تحول در ساختارهای کهن آن شده است که با عنایت به ارتباط نظام‌وار و پیوستگی ساختاری - کارکردی نظام‌های فضایی، این تحولات به سایر اجزای نظام انتقال یافته و زمینه تغییر و دگرگونی کل نظام را فراهم آورده است. اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که هر ساله سکونتگاه‌های روستایی فراوانی در ایران و دیگر کشورها جابه‌جا می‌شوند، به عنوان نمونه تنها در کشور چین در طی سال‌های ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۲ در مجموع ۴۵ میلیون نفر جابه‌جا شده‌اند، انجام این قبیل پژوهش‌ها صرفاً برطرف ساختن معضلات جامعه روستایی نیست، بلکه هدف اصلی ارائه سیمایی جامع از جابه‌جایی روستاها، به ویژه پیامدهای کالبدی - فضایی آن است تا با توجه به این شناخت، تصمیم مناسب از سوی مسئولین اتخاذ گردد و امکان توفیق آن را بیشتر نماید (Tilt et al, 2009). لذا با توجه به مطالب عنوان شده این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سؤال می‌باشد که جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی چه اثرات کالبدی - فضایی می‌تواند به همراه داشته باشد؟ به همین منظور سه روستا از توابع شهرستان پلدختر به عنوان روستاهای نمونه انتخاب شده و پیامدهای کالبدی - فضایی جابه‌جایی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری:

جابه‌جایی و اسکان مجدد روستاییان از جمله سیاست‌هایی است که هر ساله در کشورهای مختلف جهان دنبال می‌گردد. این رویه، اشاره به هر نوع جابه‌جایی و تغییر اساسی در محل سکونت خانوارها دارد که هدف کلان آن

ساماندهی کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های روستایی در سطح منطقه و هدف خرد آن، تأمین امنیت و بهبود وضعیت معیشتی روستاییان است (Okada et al, 2014). سیاست جابجایی روستاییان معمولاً به دو شکل برنامه‌ریزی شده (داوطلبانه) و بدون برنامه‌ریزی (اجباری) به مرحله اجرا در می‌آید (رحمتی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۷). به بیانی روشن‌تر، اسکان مجدد برنامه‌ریزی شده با قصد و هدف قبلی طراحی به دنبال توسعه مراکز روستایی و بالا بردن سطح زندگی و رفاه مردم می‌باشد. در مقابل، اسکان مجدد برنامه‌ریزی نشده سیاستی است که با انگیزه‌هایی غیر از بالا بردن مستقیم سطح زندگی و رفاه مردم اتخاذ می‌گردد، هرچند ممکن است به این هدف نیز نائل آیند. اساساً شانس موفقیت اسکان مجددها و تجمیع‌های داوطلبانه و برنامه‌ریزی شده بسیار بیشتر از اسکان مجددهای اجباری و برنامه‌ریزی نشده است. چرا که در بیشتر اسکان مجددهای برنامه‌ریزی نشده، میزان مشارکت و همکاری مردم چندان زیاد نیست و همین امر تاثیر قابل توجهی بر عدم موفقیت این شکل از طرح‌ها داشته است (جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۳: ۵۵). در این راستا سیاست‌ها و اقدامات مربوط به اسکان مجدد روستاییان در کشورهای در حال توسعه همواره با انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- **رویارویی با حوادث و بلایای طبیعی:** بازسازی روستاها پس از وقوع حوادث طبیعی نظیر سیل، زلزله، طوفان و مانند آن و یا به منظور جلوگیری از وقوع اینگونه حوادث، جا به جایی سکونتگاه‌های روستایی صورت می‌گیرد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

۲- **اجرای برنامه‌های توسعه روستایی:** عدم توازن در پراکندگی جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی به دلیل پراکندگی زیاد روستاهای کم جمعیت با فاصله قابل توجه از یکدیگر در برابر تعداد اندک نقاط پرجمعیت لزوم تجمیع یا اسکان مجدد را مطرح می‌کند. در برخی موارد نیز اجرای برنامه‌های توسعه ملی- منطقه‌ای ضرورت جابه جایی مکانی جمعیت و در مواردی ادغام روستاها را مورد نظر قرار می‌دهد. در این ارتباط می‌توان از کشور چین نام برد که در مواردی این طرح را به منظور کاهش فقر روستاییان اجرا نموده است. نتایج تحقیقات مرکلی نشان از توفیق نسبی این طرح از بعد اقتصادی دارد، هر چند از بعد زیست محیطی تبعات منفی فراوان برجای گذاشته است (Merkle, 2003).

۳- **دلایل سیاسی- امنیتی:** گاه نظام‌های سیاسی برای جلوگیری از تحركات قومی و کنترل جمعیت و نظارت بیشتر در مناطق مرزی خویش، تدابیری را در مورد انتقال و جابه جایی جمعیت‌های پراکنده آن مناطق اتخاذ می‌کنند (Jackson et al, 2000; Joireman et al, 2012). تاکنون مطالعات و تحقیقات فراوانی پیرامون اسکان مجدد سکونتگاه‌های روستایی و پیامدهای مختلف آن صورت گرفته است؛ بیشتر این مطالعات متأثر از جابه جایی سکونتگاه‌ها به دلیل احداث سد و یا بلایای طبیعی بوده است.

و بر معتقد است مهم‌ترین پیامد اسکان مجدد سکونتگاه‌های روستایی در بعد اقتصادی است و جابه جایی روستاها باعث دگرگونی وضعیت اقتصادی ساکنان این روستاها می‌شود. ارزیابی وضعیت جمعیت اسکان یافته در اثر اجرای یک پروژه سدسازی در جنوب کشور چین حاکی از تأثیرات فراوان خصوصاً در بعد اقتصادی است. در روستاهای فقیرتر درآمد روستاییان (بواسطه اشتغال تعدادی از ساکنان روستاها در فعالیتهای مرتبط با احداث سد) افزایش چشمگیری یافته است، اما در روستاهایی که از وضعیت مناسب‌تری بهره‌مند بوده‌اند این تفاوت چشمگیر نبوده است (Webber et al, 2004: 79). پاراسورامان نیز در تحقیقات خود در هند به نتایج مشابهی دست یافته است، به نحوی که در هند از مجموع ۲۱ میلیون نفر که در طی چهار دهه گذشته جا به جا شده‌اند ۱۵ میلیون نفر وضعیت اقتصادی‌شان افت نموده است (Parasuraman, 1999: 241). مطالعات مایکل سرنا و همکاران در شش کشور

نشان می‌دهد که جابه‌جایی در این کشورها منجر به فقیر شدن بیشتر کسانی شده است که مشمول این سیاست بوده‌اند (Cernea et al, 2006: 1005). در نتیجه تجربیات جهانی نشان از فقیرتر شدن جمعیت جابه جا شده دارد (مشیری، ۱۳۹۰: ۸۶). پیامدهای اسکان مجدد سکونتگاه‌های روستایی تنها به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ابعاد اجتماعی - فرهنگی و کالبدی نیز تأثیر می‌گذارد. نتایج مطالعات تیلت و همکاران نیز نشان می‌دهد که علاوه بر دگرگونی ساختارهای اقتصادی روستاییان، تغییر در ویژگی‌های اجتماعی (سلامت روانی، میزان مشارکت، میزان رضایت شغلی، بهداشت و...) و کالبدی روستا خصوصاً مسکن نیز مشهود است (Tilt et al, 2009).

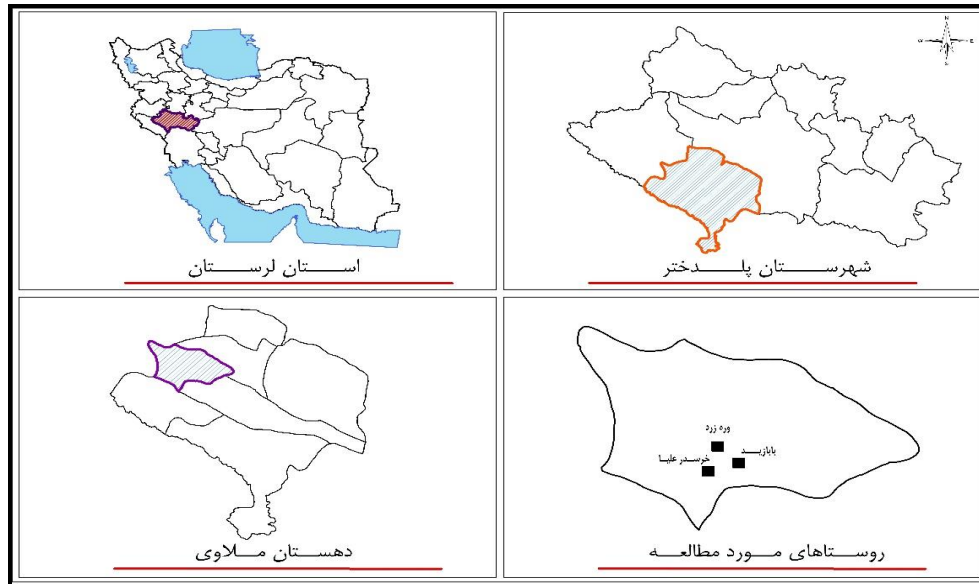
شاید بتوان فقدان برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی را عامل عمده‌ای در ضعف اجرای پروژه‌های اسکان مجدد در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین دانست. چرا که یکی از قطعی‌ترین جنبه‌های این گونه برنامه‌ریزی‌ها، گزینش محل‌های مناسب است. به عنوان نمونه پروژه دوجوما در سومالی به دلیل شوری زمین و نامناسب بودن برای کشاورزی و نداشتن مطالعات خاکشناسی، پس از پنج سال بدون نتیجه رها شد. یا در نپال زمینی که برای اسکان مجدد برگزیده شد، به جهت استقرار در مناطق بالا دست و مشکل آبیاری بهره‌وری پایینی داشت. همچنین مدیریت نامناسب نیز در عدم موفقیت این طرح‌ها بسیار مؤثر بوده است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۹). در کنار این عوامل می‌توان از دیگر دلایل ضعف این طرح‌ها به علت جابه‌جایی اشاره کرد، مطالعات و تجربیات نشان می‌دهند که رابطه نزدیکی بین دلایل جابه‌جایی، تجمع و میزان موفقیت آنها وجود دارد. اساساً شانس موفقیت اسکان مجدد و تجمع‌های داوطلبانه و برنامه‌ریزی شده بسیار بیشتر از اسکان مجدد‌های اجباری و برنامه‌ریزی نشده است. در بیشتر اسکان مجدد‌های برنامه‌ریزی نشده، میزان مشارکت و همکاری مردم چندان زیاد نیست (رحمتی، ۱۳۸۵: ۱۷).

در کشورهای توسعه‌یافته نیز شواهدی از اجرای این طرح‌ها وجود دارد. برای مثال برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی در کشور انگلستان در طی سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۷۰ از این منظر ساده متأثر بود که «تمرکز بیشتر جمعیت، تأمین تسهیلات محلی، تأمین آب، طرح‌های فاضلاب و حمل و نقل عمومی بین سکونتگاه‌های روستایی را آسان‌تر و اقتصادی‌تر خواهد ساخت». سیاست‌های اجرا شده در این دوره یعنی سیاست سکونتگاه‌های مرکزی، سیاست کاهش برنامه‌ریزی شده (سکونتگاه‌ها و خدمات) و سیاست طبقه‌بندی روستاها این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر این سیاست ساخت روستاهای جدید در نقاط مستعد یا اسکان مجدد در محل روستاهای متروکه نیز از سیاست‌هایی بوده که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مواردی از اجرای آن در این کشور وجود دارد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۴۸).

مواد و روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد، جمع‌آوری اطلاعات نیز مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از روش پیمایشی و تکمیل پرسشنامه بوده است. برای تعیین شاخص‌های مورد بررسی، از کتب و منابع معتبر داخلی و خارجی استفاده شده است. بدین ترتیب آثار و پیامدهای طرح در دو دوره قبل و بعد از جابه جایی روستاها مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل سرپرست خانوارهای سه روستای بابازید، وره زرد و خرسدر علیا می‌باشد که با اجرای این طرح جابه جا شده و در مکان جدید ساکن شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۴۳ خانوار تعیین گردید که به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و حذف پرسشنامه‌های ناقص در انتها تعداد ۱۱۷ مبنای تحقیق قرار گرفته است. داده‌های بدست آمده از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون ناپارامتری ویلکاکسون و آزمون t مورد تحلیل قرار گرفته است. روستاهای مورد مطالعه شامل سه روستای وره زرد، خرسدر علیا و بابازید می‌باشد که در دهستان ملای در

شهرستان پلدختر قرار دارند. (شکل شماره ۱). جمعیت این سه روستا در سال ۱۳۹۰ مجموعاً ۲۰۶۴ نفر (۵۳۷ خانوار) بوده است. فعالیت اقتصادی غالب در این روستاها شامل کشاورزی و دامداری است که بیش از ۸۰ درصد از جمعیت این روستاها در آن اشتغال دارند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۱- نقشه موقعیت روستاهای مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق:

در گام اول تحقیق به بررسی ضرورت جابه جایی این روستاها از دیدگاه ساکنان و میزان رضایت آنان از مکان شده، پرداخته شده است. ۷۹ نفر (۶۸ درصد) از جامعه آماری مورد بررسی ضرورت جابه جایی را خیلی زیاد و زیاد اعلام کرده‌اند، ۲۳ نفر (۲۰ درصد) متوسط و ۱۲ نفر (۱۰ درصد) ضرورت جابه جایی را کم و ۳ نفر (۲ درصد) خیلی کم دانسته‌اند. لذا میانگین ضرورت جابه جایی از نگاه ساکنان برابر با $3/96$ یعنی زیاد بوده است. در ارتباط با میزان رضایت از مکان انتخاب شده نیز ۴۸ نفر (۴۱ درصد) خیلی زیاد، ۱۶ نفر (۱۴ درصد) زیاد، ۲۱ نفر (۱۸ درصد) متوسط، ۱۸ نفر (۱۵ درصد) کم و ۱۴ نفر (۱۲ درصد) خیلی کم را انتخاب نموده‌اند و میانگین رضایت از مکان منتخب $3/56$ یعنی متوسط بوده است. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- ضرورت جابه جایی و میزان رضایت ساکنان از مکان انتخاب شده

شاخص	میانگین	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
ضرورت جا به جایی	۳/۹۶	۹/۰۳۴	۱۱۶	۰/۰۰۰
رضایت از مکان انتخاب شده	۳/۵۶	۴/۲۹۵	۱۱۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارندگان، ۱۳۹۲.

پیامدهای کالبدی- فضایی:

به منظور تحلیل پیامدهای کالبدی- فضایی حاصل از جابه جایی روستاهای مورد نظر از ۷ شاخص استفاده شده است و همانگونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود همه این شاخص‌ها تفاوت معناداری در سطح $0/01$ را قبل و بعد از جابه جایی نشان می‌دهد. بیشترین تأثیر کالبدی حاصل از اسکان مجدد این روستاها در افزایش استحکام مساکن بوده است. مساکن روستاهای مورد بحث بعد از جابه جایی با استفاده از مصالح جدید و بادوام ساخته شده‌اند که این عامل باعث افزایش استحکام این مساکن گردیده و به واسطه آن میزان رضایت ساکنان نیز افزایش یافته است. نتایج برداشت‌های میدانی حاکی از آن است که مساکن قدیمی روستا اغلب دارای کیفیت پایینی بوده و به علت عدم

توجه به آیین نامه‌های اجرایی و ضوابط آن، در برابر سوانح طبیعی آسیب‌پذیر بوده‌اند. در همین راستا می‌توان به افزایش مساحت مساکن اشاره کرد، متوسط مساحت مساکن جامعه آماری مورد نظر در قبل از جابه جایی برابر ۱۱۰ متر مربع بوده است که این رقم بعد از جابه جایی به ۲۰۸ متر مربع افزایش یافته است.

معايير روستا نیز بعد از جابه جایی با استفاده از طرح‌های از پیش تعیین شده و اصول مهندسی احداث شده است درحالی‌که تا قبل از آن معابر از کیفیت چندانی برخوردار نبوده‌اند و در نتیجه میزان رضایت از معابر رشد چشمگیری را داشته است. همچنین کیفیت خطوط ارتباطی منتهی به روستا بعد از جابه جایی بهبود یافته و بواسطه آن روابط روستا با سکونتگاه‌های شهری و روستایی اطراف نیز بیشتر شده است، در ارتباط با وضعیت کاربری‌ها و خدمات و امکانات موجود در روستا و نحوه دسترسی به آن نیز وضعیت به همین گونه بوده و نتایج تحقیق حاکی از افزایش رضایت ساکنان بعد از جابه جایی دارد. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- پیامدهای کالبدی - فضایی قبل و بعد از جابه جایی

شاخص	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
رضایت از راه‌ها و جاده‌های منتهی به روستا	۶	۹۳	۱۸	-۷/۸۸۹	۰
رضایت از وضعیت معابر روستا	۳	۱۰۵	۹	-۸/۷۱۴	۰
استحکام مسکن	۱	۱۱۲	۴	-۹/۳۵۱	۰
گرایش به ساخت مساکن به سبک مساکن شهری	۴	۱۰۹	۴	-۸/۹۵۴	۰
رضایت از وضعیت کاربری‌های موجود در روستا	۵	۶۶	۴۶	-۵/۷۴۵	۰

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارندگان، ۱۳۹۲.

پیامدهای زیست محیطی:

بررسی دیدگاه‌های روستاییان در ارتباط با پیامدهای زیست محیطی نشان از رضایت آنان از وضعیت فضای سبز، جمع‌آوری آب‌های سطحی و سیستم دفع فاضلاب بعد از جابه جایی دارد، اما کیفیت آب آشامیدنی روستا و نحوه دفع زباله‌ها تفاوت چندانی نداشته است. همانگونه که پیش‌تر عنوان شد مساکن این روستاها بعد از جابه جایی با استفاده از مصالح بادوام و اصول مهندسی ساخته شده‌اند، در همین راستا سیستم دفع فاضلاب نیز در این مساکن بهبود یافته است و برخلاف گذشته که فاضلاب‌های خانگی در محیط روستا رها می‌شدند بعد از جابه جایی بواسطه احداث کانیو و جدول، هدایت و دفع می‌شود. مکان انتخاب شده برای جابه جا شدن روستاها مراتع اطراف این روستاها بوده است و با جابه جا شدن آن‌ها قسمتی از منابع آب و خاک دهستان مورد تخریب قرار گرفته است، همچنین ساخت و ساز مساکن و معابر روستاها و حفر چاه‌های جذبی برای دفع فاضلاب، روند تخریب را شدت بخشیده و در نتیجه میزان آلودگی منابع آب و خاک تفاوت معناداری را در قبل و بعد از جابه جایی نشان می‌دهد. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- پیامدهای زیست محیطی قبل و بعد از جابه جایی

شاخص	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
میزان آلودگی منابع آب و خاک در روستا	۵	۶۶	۴۶	-۵/۵۲۲	۰
رضایت از سیستم دفع فاضلاب در روستا	۲۰	۶۱	۳۶	-۵/۰۸۵	۰
جمع‌آوری آب‌های سطحی	۲۱	۵۵	۴۱	-۳/۴۰۲	۱
رضایت از وضعیت دفع زباله‌ها در روستا	۳۶	۵۱	۳۰	-۱/۰۷۰	۲۸۵
رضایت از وضعیت فضای سبز روستا	۱۳	۴۴	۶۰	-۴/۸۸۲	۰
کیفیت آب آشامیدنی روستا	۱۷	۳۹	۶۱	-۱/۶۳۷	۱۰۲

پیامدهای اجتماعی:

اولین شاخص مورد بررسی در ارتباط با پیامدهای اجتماعی حاصل از جابه‌جایی این روستاها میزان امنیت در آنها می‌باشد و همانگونه که مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری نداشته است، در حقیقت اکثر ساکنان این روستاها با یکدیگر خویشاوند بوده و در نتیجه میزان امنیت این روستاها را چه قبل و چه بعد از جابه‌جایی در شرایط مناسبی قرار داده است. برای تعیین کیفیت زندگی از پنج شاخص وضعیت تغذیه، امید به آینده، میزان تفریح، دسترسی به امکانات بهداشتی - درمانی و سواد و تمایل به ادامه تحصیل استفاده شده است. در میان این شاخص‌ها امید به آینده و دسترسی به امکانات بهداشتی افزایش چشمگیری داشته و تفاوت میان قبل و بعد از جابه‌جایی روستاها چشمگیر است ولی در دیگر شاخص‌ها تفاوت معنادار نمی‌باشد. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- پیامدهای اجتماعی قبل و بعد از جابه‌جایی

شاخص	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
میزان امنیت در روستا	۲۰	۳۷	۶۰	-۱/۷۱۹	۰/۸۶
مشارکت در امور روستا	۲۴	۶۴	۲۹	-۳/۷۸۷	۰
احساس تعلق به روستا	۲۸	۶۶	۲۳	-۳/۸۱۶	۰
تمایل به زندگی در روستا	۳	۷۶	۳۸	-۷/۰۲۲	۰
تعاملات اجتماعی	۳۳	۵۲	۳۲	-۱/۳۱۵	۰/۱۸۹
وضعیت تغذیه	۴۲	۵۴	۲۱	-۱/۴۹۲	۰/۱۳۶
امید به آینده	۳۲	۶۴	۲۱	-۲/۵۶۰	۰/۰۱۰
میزان مسافرت و تفریح	۴۳	۴۰	۳۴	-۰/۶۲۰	۰/۵۳۵
وضعیت بهداشتی - درمانی	۶	۸۳	۲۸	-۷/۰۶۴	۰
سواد و تمایل به ادامه تحصیل	۲۷	۴۷	۴۳	-۰/۶۵۲	۰/۵۱۵

منبع: یافته‌های تحلیلی نگارندگان، ۱۳۹۲.

مشارکت روستاییان در امور روستایی و احساس تعلق آنها بین دو دوره با سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است و بعد از جابه‌جایی افزایش چشمگیری یافته است که این تغییر را می‌توان به بهبود خدمات و امکانات روستا از یک سو و افزایش کیفیت مسکن آنان نسبت داد. همچنین جابه‌جایی این روستاها و صرف هزینه‌های مختلف برای ارتقای کیفیت مسکن از سوی روستاییان تنها در صورتی که احساس تعلق به روستا وجود داشته باشد قابل توجیه است. به عبارت بهتر اگر آنها به روستا احساس تعلق نداشتند بعد از جابه‌جایی به ساخت مسکن جدید و سرمایه‌گذاری در روستاها اقدام نمی‌کردند که در همین راستا مشارکت آنان نیز در امور روستا افزایش یافته است. از سوی دیگر با سرمایه‌گذاری ساکنان و صرف وقت و هزینه از سوی آنان، میزان تمایل به اقامت در روستا نیز بیشتر شده و تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

جمعیت و تعداد خانوار در روستاهای مورد نظر بعد از جابه‌جایی روندی رو به رشد داشته اما تعداد خانوار نسبت به میزان جمعیت افزایش بیشتری داشته است. متوسط جمعیت هر خانواده در روستای بابازید، وره زرد و خرسدر علیا قبل از جابه‌جایی ۵/۰۱، ۴/۳۲ و ۴/۴۸ نفر بوده است در حالی که این رقم بعد از جابه‌جایی به ۳/۴۷، ۳/۸۰ و ۳/۵۸ کاهش یافته است. (جدول شماره ۵). هر چند عوامل متعددی در این امر دخیل می‌باشد اما می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل دخیل در این امر را اعتبارات و تسهیلات پرداختی از سوی ارگان‌های دولتی به منظور ساخت مسکن جدید دانست. به عبارت بهتر، برای ساخت مسکن در مکان جدید برای هر خانوار اعتباراتی پرداخت گردیده

است لذا این عامل در افزایش تمایل روستائیان برای ازدواج و تشکیل خانواده تأثیرگذار گذاشته و در نتیجه بعد خانوار نسبت به میزان جمعیت بعد از جابه جایی دستخوش تغییرات بیشتری شده است.

جدول ۵- تحولات جمعیتی روستاهای مورد مطالعه قبل و بعد از جابه جایی

نام روستا	قبل از جابه‌جایی (۱۳۸۵)			بعد از جابه‌جایی (۱۳۹۰)		
	خانوار	جمعیت	متوسط جمعیت هر خانوار	خانوار	جمعیت	متوسط جمعیت هر خانوار
بابازید	۱۱۸	۵۹۲	۵/۰۱	۱۶۱	۵۵۹	۳/۴۷
وره زرد	۱۹۷	۸۵۲	۴/۳۲	۲۵۵	۹۷۰	۳/۸۰
خرسدر علیا	۸۵	۳۸۱	۴/۴۸	۸۷	۳۱۲	۳/۵۸

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق با اقتباس از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

پیامدهای اقتصادی:

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اقتصاد پایه‌ای روستاهای مورد نظر تغییر چندانی نکرده و همچنان معیشت غالب در این روستاها کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن است. این روستاها بنا بر وضعیت اکولوژیکی منطقه از دیرباز برای کشاورزی و دامداری مناسب بوده و بیشتر ساکنان نیز به این فعالیت‌ها اشتغال داشته‌اند، از آنجا که جابه جایی این روستاها بیشتر مربوط به مسکن روستا بوده و در زمین‌های زراعی و محل آن تغییری صورت نگرفته است، تغییر اشتغال نیز در این روستاها کمتر بوجود آمده است. میزان اشتغال به دامداری و تعداد دام‌های کوچک و بزرگ نیز تغییر چندانی نداشته است و همانگونه که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود، در اشتغال در بخش‌های مختلف کشاورزی، خدمات و صنعت تفاوت معنادار نمی‌باشد. از آنجا که زمین‌های زراعی روستا بعد از جابه جایی تغییر نکرده در راندمان و مقدار تولید محصولات کشاورزی نیز در دوره تفاوت محسوس نبوده است.

همانگونه که پیشتر عنوان شد مسکن جدید با استفاده از مصالح بادوام و با مساحت بیشتر احداث شده‌اند که این عوامل به همراه نوساز و جدید بودن آنها منجر به افزایش قیمت مسکن این روستاها شده است و تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ را نشان می‌دهد. متوسط قیمت مسکن قبل از جابه جایی ۵۰ هزار تومان برای هر متر مربع بوده که این رقم بعد از جا به جایی به بیش از ۱۰۰ هزار تومان افزایش یافته است. لازم به ذکر است که متأثر از قیمت مسکن، قیمت زمین‌های زراعی و زمین‌های موجود در حریم روستا نیز به مرور افزایش یافته است. صنایع دستی نیز بنا بر اظهار نظر پرسش شونده‌گان در این دهستان چندان رایج نبوده و بعد از جا به جایی نیز تغییری در آن صورت نگرفته است و تفاوت میان دو دوره معنادار نمی‌باشد. در نتیجه جا به جا شدن سکونتگاه‌های روستایی ممکن است به دلایل گوناگون از جمله تغییر در کیفیت منابع اکولوژیکی روستا، کاهش و یا افزایش بهره‌مندی از منابع آب و خاک، تغییر در میزان فاصله میان روستا و زمین‌های کشاورزی و غیره تغییر یابد. در محدوده‌ی مورد مطالعه از آنجا که ساختار اشتغال روستاییان بعد از جابه جایی تغییر چندانی نداشته و همچنان کشاورزی و دامداری معیشت غالب بوده است، میزان درآمد ساکنان و همچنین توانایی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی، میزان امنیت و رضایت شغلی و فرصت‌های اشتغال نیز تغییری نکرده و تفاوت معنادار نمی‌باشد. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- پیامدهای اقتصادی قبل و بعد از جا به جایی

شاخص	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
اشتغال در بخش کشاورزی	۳۷	۵۰	۳۰	-۱/۱۵۱	۰/۲۵۰
اشتغال در بخش خدمات	۱۵	۳۲	۷۰	-۰/۹۶۹	۰/۳۳۲
اشتغال در بخش صنعت	۳۴	۳۷	۴۶	-۰/۶۶۵	۰/۵۰۶
زمین زراعی زیر کشت	۲۸	۷۰	۱۹	-۲/۸۱۱	۰/۰۰۵
مقدار تولید محصول (راندمان تولید)	۳۷	۵۳	۲۷	-۱/۷۰۱	۰/۰۸۹
قیمت مسکن	۳	۱۰۷	۷	-۸/۶۴۴	۰
وضعیت صنایع دستی	۶	۹	۱۰۲	-۰/۷۷۵	۰/۴۳۹
میزان درآمد	۴۳	۵۳	۲۱	-۰/۳۷۴	۰/۷۰۸
تأمین هزینه های جاری زندگی	۴۷	۵۲	۱۸	-۰/۷۶۷	۰/۴۴۳
رضایت شغلی	۳۲	۵۵	۳۰	-۱/۱۸۲	۰/۲۳۷
امنیت شغلی	۴۴	۳۹	۳۴	-۰/۷۱۵	۰/۴۷۵
میزان فرصت‌های شغلی	۳۱	۴۹	۳۷	-۱/۲۲۳	۰/۲۲۱

منبع: یافته های تحلیلی نگارندگان، ۱۳۹۲.

نتایج آزمون t در میان ابعاد مختلف مورد بررسی نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر جابه جایی روستاهای مورد مطالعه در ابعاد کالبدی- فضایی بوده است. همچنین ابعاد زیست محیطی و اجتماعی نیز در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند و تفاوت در این ابعاد با سطح اطمینان ۹۹ درصد میان دو دوره معنادار می‌باشد. در ارتباط با ابعاد اقتصادی نیز تفاوت میان قبل و بعد از جابه جایی معنادار نبوده است. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- اثرات کلان جا به جایی بر روستاهای مورد مطالعه

شاخص	میانگین		مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری
	قبل از اجرای طرح	بعد از جا به جایی			
کالبدی	۳/۵۱	۶/۰۵	-۲۰/۱۰۳	۱۱۶	۰/۰۰۰
زیست محیطی	۳/۴۱	۴/۲۶	-۸/۷۶۰	۱۱۶	۰/۰۰۰
اجتماعی	۴/۸۷	۵/۳۱	-۵/۱۰۵	۱۱۶	۰/۰۰۰
اقتصادی	۳/۵۶	۳/۷۰	-۱/۶۷۴	۱۱۶	۰/۰۹۷

منبع: یافته های تحلیلی نگارندگان، ۱۳۹۲.

نتیجه‌گیری:

جابجایی و اسکان مجدد از جمله راهبردهای بلندمدتی است که اگر به خوبی مدیریت شود می‌تواند ضمن کاهش تلفات جانی، کاهش هزینه‌های بازسازی پس از سوانح طبیعی منجر گردد. با این وجود نتایج بدست آمده حاکی از آن است که بیشترین تأثیر اسکان مجدد این روستاها در زمینه کالبدی و زیست محیطی بوده است و به واسطه‌ی این عوامل در برخی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی نیز تغییراتی صورت گرفته است. افزایش استحکام

مساکن، بهبود کیفیت خطوط ارتباطی و معابر روستا همچنین دسترسی به خدمات و امکانات از جمله این تأثیرات می‌باشد که متأثر از آن احساس تعلق، امید به آینده و میزان مشارکت نیز در میان روستاییان افزایش یافته است. لازم به ذکر است که با جابه جا شدن این روستاها برخی تبعات منفی نیز بوجود آمده است که می‌توان به افزایش میزان آلودگی منابع آب و خاک اشاره کرد.

از نظر روستاییان میزان توفیق اجرای این طرح در حد قابل قبولی بوده و بیشتر پرسش‌شوندگان رضایت نسبی داشتند اما عدم رضایت کامل از مکان منتخب برای جابه جایی باعث شده است که این طرح نتواند آنچنان که شایسته است توفیق یابد. لذا مهم‌ترین عاملی که منجر به کاهش توفیق آن می‌شود را می‌توان فقدان مطالعات پیش از اجرا و عدم توجه به نقش مردم و مشارکت دانست که جای خالی آن کاملاً احساس می‌شود. حقیقت امر آن است که لزوم توجه به مشارکت و نقش مردم در امور مربوط به عمران و توسعه روستاها به طرق مختلف مورد تأکید قرار می‌گیرد اما در عمل شکاف فراوانی بین مسئولین و روستاییان وجود دارد و این در صورتی است که مردم به عنوان عاملان اصلی و ذینفع به عنوان قدرت‌های محلی می‌توانند تأثیرگذاری بالایی در موفقیت این قبیل طرحها و برنامه‌ها داشته باشند. این یافته با نتایج مطالعات (Fakudze, 2000) بررسی آثار جابه جایی سکونتگاه‌های روستایی بر کیفیت زندگی می‌فنگو در تیستیکاما و محمدی استاد کلایه (۱۳۹۱) که به ترتیب شرق استان گلستان مطابقت دارد. به عبارتی هر چند این طرح‌ها اثرات منفی را بر زندگی روستاییان داشته؛ اما در مجموع توانسته رضایت نسبی را به همراه داشته باشد. در مقابل نتایج تحقیقات رحمتی و نظریان (۱۳۸۹) گویای آن است که جابجایی و اسکان مجدد روستاییان بدون برنامه‌ریزی قبلی ابعاد سوء اقتصادی، اجتماعی فراوانی را به همراه داشته است و نتوانسته آن گونه که انتظار می‌رفت در بهبود کیفیت زندگی و معیشت روستایی مؤثر واقع گردد. در مجموع اینگونه می‌توان استنباط نمود که در اجرای این طرح‌ها بیشتر به جنبه‌های فیزیکی و کالبدی توجه شده است و ساختار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کمتر مورد توجه مسئولان مرتبط بوده است. فقدان مطالعات پیش از اجرا، نظارت و کنترل ضعیف مسئولین و عدم توجه به نقش روستائیان از جمله دیگر عوامل مؤثر در این امر می‌باشد. بنابراین توفیق این گونه طرح‌ها در درجه‌ی نخست نیازمند مشارکت و همراهی روستاییان و در درجه‌ی بعد توجه به ابعاد کلان اجتماعی اقتصادی و زیست محیطی ناشی از اجرای طرح‌های مذکور می‌باشد.

منابع و مأخذ:

۱. پهلوان زاده، حمیده، رضوانی، محمدرضا و امین محمدی (۱۳۹۱): «ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام شده پس از سوانح طبیعی (مورد: مجموعه ادغامی پیش کمر، استان گلستان)»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷، تهران، صص ۹۷-۱۱۵.
۲. جهاد سازندگی (۱۳۶۸): «نگاهی به برنامه های توسعه روستایی در کشور تایلند»، معاونت عمران اداره کل بهسازی و مسکن، تهران.
۳. جهاد دانشگاهی تهران (۱۳۸۵): «گزارش نهایی طرح مطالعات اجتماعی، اقتصادی و طبیعی حوزه بالادست سد گتوند علیا (۱۵ جلد)»، شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران، تهران.
۴. رحمتی، علیرضا و اصغر نظریان (۱۳۸۹): «آثار اقتصادی- اجتماعی و محیط زیستی سکونتگاه‌های مشمول جابه‌جایی ناشی از ایجاد سدها (مطالعه موردی سد گتوند علیا، رودخانه کارون)»، پژوهش‌های محیط‌زیست، شماره ۲، تهران، صص ۵۴-۶۶.

۵. رحمتی، محمدمهدی (۱۳۸۵): «دگرگونی‌های اجتماعی- اقتصادی ادغام روستاها در منطقه زلزله رودبار و منجیل»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۲، تهران، صص ۸۳-۱۱۰.
۶. رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰): مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس، چاپ سوم، تهران.
۷. رضوانی، محمدرضا، نظری، ولی اله و محمدامین خراسانی (۱۳۸۹): فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات برنامه ریزی و توسعه روستایی، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، تهران.
۸. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و سیدعلی بدری (۱۳۸۲): «ارزیابی پیامدهای اقتصادی ادغام روستاها پس از حادثه زلزله از دیدگاه توسعه پایدار: مورد روستاهای بالکلور و جمال آباد از شهرستان طارم علیا»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۲، تهران، صص ۶۰-۲۳.
۹. سعیدی، عباس و صدیقه حسینی حاصل (۱۳۸۸): شالوده مکان یابی و استقرار روستاهای جدید، انتشارات شهیدی، چاپ اول، تهران.
۱۰. فنی، زهره و مراحم رحمتی (۱۳۸۵): «سیلاب و پیامدهای اجتماعی- اقتصادی و محیطی آن مطالعه موردی: حوضه آبخیز پسیخانرود گیلان»، فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۱۵، اهر، صص ۱۴۷-۱۲۸.
۱۱. کمیسیون جهانی سدهای بزرگ (۱۳۸۶): سدها و توسعه چارچوب جدیدی برای تصمیم گیری، ترجمه: سعید کدیور، مؤسسه آموزش عالی و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، چاپ اول، تهران.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵ - ۱۳۹۰): سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان پلدختر، تهران.
۱۳. محمدی استاد کلابه، امین، مطیعی لنگرودی، حسن، رضوانی، محمدرضا و مجتبی قدیری معصوم (۱۳۹۱): «ارزیابی اثرات الگوهای راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی بر کیفیت زندگی روستایی مطالعه موردی: روستاهای جابه جا شده شرق استان گلستان». مجله جغرافیا و مخاطرات محیطی، شماره ۴، اصفهان، صص ۵۰-۳۷.
۱۴. مشیری، فرخ (۱۳۹۰): «رویکرد انسانی در جابه جایی سکونتگاه‌ها در برنامه ریزی آبادانی منطقه ای»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵، تهران، صص ۱۰۴-۸۵.
۱۵. ولایتی، سعدالله، جهانی، مهدی و آزاده رامش (۱۳۸۴): «اهمیت مدیریت ریسک سیلاب در برنامه ریزی روستایی مطالعه موردی: حوضه آبریز کارده»، نشریه علوم جغرافیایی، شماره ۵، مشهد، صص ۸۷-۶۹.
16. Cernea, M.M. and K. Schmidt-Soultau. (2006): *Poverty Risks and National Parks: Policy Issues in Conservation and Resettlement*, World Development 34: 1808-1830.
17. Fakudze, C.M. (2000): *Rural Resettlement Scheme Evaluation: A Case Study of the Mfengu in Tsitsikamma*. Master of Arts, Rhodes University.
18. Jackson, S. and A. Sleigh. (2000): *Resettlement for China's Three Gorges Dam: socio-economic impact and institutional tensions*. Communist and Post-Communist Studies 33: 223-241.
19. Joireman, S.F. Sawyer, A. and J. Wilhoit. (2012): *A different way home: Resettlement patterns in Northern Uganda*. Political Geography 31: 197-204.
20. Merkle, R. (2003): *Ningxia's Third Road to Rural Development: Resettlement Schemes as a Last Means to Poverty Reduction?* China Quarterly 139:644-69.

21. Okada, T. Haynes, K. Bird, D. Honert, R. and R. King. (2014): *Recovery and resettlement following the 2011 flash flooding in the Lockyer Valley. International Journal of Disaster Risk Reduction* 8: 20–31.
22. Parasuraman, S. (1999): *The development dilemma: displacement in India. New York: St. Martin's Press* 47:1 – 35.
23. Tilt, B., Braun, Y. and D. He. (2009): *Social impacts of large dam projects: A comparison of international case: studies and implications for best practice, Journal of Environmental Management* 90: 249–257.
24. Webber, M. and B. McDonald. (2004): *Involuntary Resettlement, Production and Income: Evidence from Xiaolangid, PRC. World Development* 32: 673–690.